

Email:
isqt@sku.ac.ir

website:
<https://isqt.sku.ac.ir>

Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology



Investigating the Concept of Parenting Style in the Family from the Perspective of the Quran and Narrations

Zahra Chaboki Nezhad ^{1*}, Fatemeh Mohammadi ²

¹ PhD in family counselling. Assistant professor of psychology, Faculty of Humanities, Hazrat-e Narjes (sa).
Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran. Corresponding Author

² PhD in Theology, specializing in Quranic sciences and Hadith. Assistant Professor, Faculty of Humanities,
Hazrat-e Narjes(sa). Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran.

Article information

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:

Family, Child, Parents,
Quran and Narrations.

Received: 2026/0106

Accepted: 2026/08/09

*Corresponding author:

ali.ehterami@iau.ac.ir

How to cite this paper:

Chaboki Nezhad, Z.,
Mohammadi, F. (2026).
Investigating the Concept
of Parenting Style in the
Family from the
Perspective of the Quran
and Narrations.
Interdisciplinary Studies
of the Quran and
Theology. 3(2): 199-212.

ABSTRACT

The family is the first and most influential foundation for human upbringing and plays a decisive role in shaping children's character, behavior, and future. This study aims to examine the concept and styles of parenting from the perspective of the Quran and hadiths, and to compare them with the parenting styles common in Western psychology (authoritarian, permissive, and authoritative). The research method was library-based, relying on the analysis of verses, hadiths, and reliable research sources. The findings show that the authoritative style is closer to the Islamic approach to upbringing than the other two styles, yet it differs from it in its foundations, goals, and priorities; the Islamic style emphasizes rational and indirect supervision, avoidance of violence and imposition, attention to the child's abilities and character, and guiding the child toward moral, social, and spiritual growth. These findings can serve as a practical guide for today's parents and educators to draw simultaneously on religious teachings and the achievements of psychology in adopting a balanced, rational model suited to the developmental needs of children in contemporary society.

DOI: [10.22034/isqt.2026.14879.1005](https://doi.org/10.22034/isqt.2026.14879.1005)

بررسی مفهوم سبک فرزندپروری در خانواده از منظر قرآن و روایات

زهرا چابکی نژاد^{۱*}، فاطمه محمدی^۲

۱- استادیار، روانشناسی، دانشکده حضرت نرجس (س)، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران.

۲- استادیار، الهیات و معارف اسلامی، دانشکده حضرت نرجس (س)، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
خانواده نخستین و مؤثرترین بستر تربیت انسان است و در شکل‌گیری شخصیت، رفتار و آینده فرزندان نقش تعیین‌کننده دارد. هدف این پژوهش، بررسی مفهوم و سبک‌های فرزندپروری از منظر قرآن و روایات و مقایسه آن با سبک‌های رایج در روان‌شناسی غرب (استبدادی، سهل‌گیرانه و مقتدرانه) است. روش پژوهش کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل آیات، روایات و منابع پژوهشی معتبر بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد سبک مقتدرانه بیش از دو سبک دیگر به روش تربیتی اسلام نزدیک است، اما در مبانی، اهداف و اولویت‌ها با آن تفاوت دارد؛ سبک اسلامی بر نظارت منطقی و غیرمستقیم، پرهیز از خشونت و تحمیل، توجه به توان و شخصیت فرزند، و هدایت او به سوی رشد اخلاقی، اجتماعی و معنوی تأکید می‌کند. این یافته‌ها می‌تواند راهنمای عملی برای والدین و مربیان امروزی باشد تا با بهره‌گیری هم‌زمان از آموزه‌های دینی و دستاوردهای علم روان‌شناسی، الگویی متعادل، منطقی و متناسب با نیازهای تربیتی فرزندان در جامعه معاصر برگزینند.	نوع مقاله: علمی پژوهشی واژگان کلیدی: خانواده، فرزند، والدین، قرآن و روایات. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ * پست الکترونیکی نویسنده مسئول: z.chabokinezhad@vru.ac.ir ارجاع: چابکی نژاد، ز. محمدی، ف.، ۱۴۰۵، بررسی مفهوم سبک فرزندپروری در خانواده از منظر قرآن و روایات، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۳(۲)، ۱۹۹-۲۱۲.

مقدمه

خانواده نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و مهم‌ترین محیط شکل‌گیری شخصیت، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای فرد است. افراد در خانواده نخستین تجربه‌های اجتماعی، عاطفی و تربیتی خود را کسب می‌کنند و از طریق تعامل با والدین، فرایند اجتماعی‌شدن را آغاز می‌نمایند (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۷؛ قدسی و قائمی، ۱۳۹۳: ۲). ازاین‌رو، کیفیت روابط خانوادگی و شیوه تربیت والدین تأثیر بسزایی بر رشد فردی و اجتماعی فرزندان دارد (مینائی و نیکزاد، ۱۳۹۶: ۲؛ جیرانی و عباسی، ۱۳۹۷: ۶۸).

در منظومه معارف اسلامی نیز خانواده جایگاهی بنیادین دارد و تشکیل آن مورد تأکید قرآن و سنت قرار گرفته است. قرآن کریم با تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده (نساء/ ۳؛ نور/ ۳۲)، خانواده را بستری برای دستیابی انسان به آرامش، رشد و سعادت معرفی می‌کند. در روایات نیز بر اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده تأکید شده است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ»؛ هر کس دوست دارد از سنت من پیروی کند، ازدواج نماید (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۷۴). همچنین، در روایتی دیگر بر نقش تشکیل خانواده در گشایش روزی تأکید شده است (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۳). بر این اساس، خانواده در نگاه اسلامی صرفاً نهادی برای تأمین نیازهای فردی و اجتماعی نیست، بلکه محیطی برای رشد معنوی و تربیتی اعضای آن و زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی آنان است (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۶).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، تربیت فرزندان است. کودک نخستین آموختنی‌ها و الگوهای رفتاری خود را در محیط خانواده فرامی‌گیرد و چگونگی ارتباط والدین با او نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی وی دارد (نیک‌سیرت و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰؛ جیرانی و عباسی، ۱۳۹۷: ۶۸). در این میان، شیوه فرزندپروری والدین از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت و رفتار فرزندان به شمار می‌رود (قدسی و قائمی، ۱۳۹۳: ۳-۴). فرزندپروری مجموعه‌ای از رفتارها، تعاملات، آموزش‌ها و زمینه‌سازی‌هایی است که والدین با هدف مراقبت، پرورش و تربیت فرزند به کار می‌گیرند و در متون اسلامی، ابعاد ذهنی، شناختی، عاطفی، معنوی و رفتاری فرزند را دربرمی‌گیرد (عادل‌پور، ۱۳۹۶: ۱-۲).

با توجه به اهمیت تربیت فرزند، اسلام آن را از وظایف اساسی والدین دانسته و اصول و شیوه‌های متعددی برای آن ارائه کرده است. با این حال، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره تربیت و فرزندپروری بر مبنای دیدگاه‌های روان‌شناختی یا فرهنگی خاص شکل گرفته‌اند و ازاین‌رو، ضرورت تبیین الگویی منسجم و مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلامی همچنان احساس می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر آموزه‌های اسلامی درصدد تبیین مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی تربیت دینی در خانواده است.

پیشینه پژوهش

موضوع تربیت فرزند در پژوهش‌های ایران از منظرهای مختلف بررسی شده است. مطالعات پیشین را می‌توان عمدتاً در سه محور رویکردهای اسلامی و روایی، مطالعات روان‌شناختی و مطالعات مرتبط با عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر فرزندپروری دسته‌بندی کرد.

در حوزه مطالعات اسلامی، قدسی و قائمی (۱۳۹۳) با مقایسه سبک‌های فرزندپروری رایج با روش تربیتی امام علی(ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، نشان دادند که اگرچه سبک مقتدرانه از حیث نظارت، پاسخ‌گویی و احترام به فرزند با برخی مؤلفه‌های تربیت علوی مشابهت دارد، اما مبانی، اهداف و ارزش‌های حاکم بر آن با الگوی تربیتی امام علی(ع) یکسان نیست. مکتوبیان بهارنچی و همکاران (۱۳۹۴) نیز با ساخت و هنجاریابی پرسشنامه فرزندپروری در نگرش اسلامی، شش مؤلفه شامل اخلاص والدین، ارزش‌های تربیتی، منطق تربیتی، ارتباط انسانی، توجه به نقش خداوند در زندگی و بی‌مبالاتی در تربیت دینی را شناسایی کردند. کوخایی و رودمقدس (۱۳۹۵) نیز بر این نکته تأکید کردند که تربیت در اسلام فراتر از آموزش مناسک دینی بوده و پرورش استعدادها، صفات و کمالات انسانی را دربرمی‌گیرد.

در مطالعات تطبیقی اسلام و روان‌شناسی تربیتی، عادل‌پور (۱۳۹۶) نشان داد که در میان سبک‌های استبدادی، سهل‌گیرانه و مقتدرانه، سبک مقتدرانه از برخی جهات به الگوی تربیتی مسئولانه در اسلام نزدیک‌تر است، اما با آن انطباق کامل ندارد. همچنین، خنکدار طارسی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی انتقادی سبک مقتدرانه بر اساس دیدگاه ائمه(ع)، تفاوت‌هایی اساسی میان این الگو و تربیت اسلامی، به‌ویژه در زمینه تنبیه، اجبار، میزان کنترل، نوع انتظارات والدین و اهداف تربیتی، گزارش کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند برخی مفاهیم روان‌شناختی معاصر با آموزه‌های اسلامی همپوشانی دارند، الگوی تربیت اسلامی دارای مبانی، اهداف و معیارهای ارزشی متمایزی است.

در دسته سوم، برخی پژوهش‌ها به عوامل روان‌شناختی و خانوادگی مؤثر بر شیوه فرزندپروری پرداخته‌اند. رفاهی و طاهری (۱۳۹۸) رابطه مثبت و معنادار طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با سبک‌های فرزندپروری آسان‌گیر و استبدادی را گزارش کردند. ناصری فدافن و همکاران (۱۴۰۱) نیز در یک مطالعه کیفی، نقش تعارضات زناشویی و ادراک فرزندان از آگاهی والدین را در کیفیت روابط تربیتی برجسته دانستند. این مطالعات بیانگر آن است که شیوه فرزندپروری علاوه بر مبانی اعتقادی و ارزشی، از شرایط روانی و تعاملات خانوادگی نیز تأثیر می‌پذیرد. در مجموع، مطالعات پیشین ابعاد مهمی از تربیت فرزند را از منظر منابع اسلامی، مقایسه با الگوهای روان‌شناختی و عوامل خانوادگی بررسی کرده‌اند؛ با این حال، بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها یا بر یک منبع خاص مانند نهج‌البلاغه و روایات متمرکز بوده‌اند یا به مقایسه کلی دیدگاه اسلام با سبک‌های رایج روان‌شناختی پرداخته‌اند. از این رو، همچنان نیاز به پژوهشی احساس می‌شود که با مراجعه نظام‌مند به تفاسیر قرآن کریم، مؤلفه‌ها و راهکارهای عملی تربیت فرزند را در بستر خانواده استخراج و در قالب الگویی منسجم تبیین کند. از این رو، پژوهش حاضر حاضر با تمرکز بر منابع قرآنی و تفسیری و با بهره‌گیری از روایات، درصدد شناسایی و تبیین مؤلفه‌های سبک فرزندپروری اسلامی و مقایسه آن با مؤلفه‌های سبک‌های رایج فرزندپروری در روان‌شناسی است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این خلأ است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، کیفی و توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از روش اسنادی و تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. داده‌های پژوهش از قرآن کریم، منابع روایی، تفاسیر معتبر و مطالعات مرتبط با سبک‌های فرزندپروری گردآوری شد. پس از مطالعه و کدگذاری گزاره‌های مرتبط با وظایف، اصول و شیوه‌های تربیتی والدین، مؤلفه‌های اصلی سبک فرزندپروری اسلامی استخراج و سپس با مؤلفه‌های سبک‌های رایج فرزندپروری در روان‌شناسی مقایسه شد.

جامعه پژوهش (جامعه اسنادی)

جامعه پژوهش در این مطالعه، مجموعه متون، اسناد و منابع معتبر علمی، دینی و تفسیری مرتبط با موضوع تربیت فرزند و سبک‌های فرزندپروری را دربرمی‌گیرد. این منابع در سه دسته اصلی بررسی شده‌اند:

۱. منابع وحیانی و روایی: قرآن کریم، نهج‌البلاغه و منابع روایی معتبر فریقین، از جمله الکافی، بحارالانوار و وسائل الشیعه.

۲. منابع تفسیری و اخلاقی: تفاسیر معتبر اسلامی، از جمله المیزان، تفسیر نمونه، الکاشف و فی ظلال القرآن، که برای استخراج و تبیین مبانی تربیتی آیات و روایات مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۳. منابع روان‌شناختی و تربیتی: کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های معتبر داخلی و بین‌المللی در حوزه روان‌شناسی رشد، نظریه‌های خانواده و سبک‌های فرزندپروری، به‌ویژه مطالعات مرتبط با الگوی بامریند، که در بخش تطبیقی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری (الکترونیکی و سنتی) از منابع مکتوب و دیجیتال بوده است. جهت استخراج گزاره‌های دینی، با استفاده از نرم‌افزارهای نور و پایگاه‌های اطلاعاتی اسلامی، کلیدواژه‌های مرتبط با تربیت فرزند، حقوق کودک و وظایف والدین در قرآن و روایات جستجو و فیش‌برداری شد. در حوزه روان‌شناسی نیز مقالات و کتب مرجع با کلیدواژه‌های سبک‌های فرزندپروری، سبک مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه مورد بررسی و تلخیص قرار گرفتند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی و تحلیل مقایسه‌ای (تطبیقی) انجام گرفته است. پس از دسته‌بندی و کدگذاری مفاهیم استخراج شده از متون اسلامی و روان‌شناختی، شاخص‌های تربیتی هر دو دیدگاه استخراج گردید. سپس، این شاخص‌ها در ابعاد مختلف (مبانی، اهداف، روش‌ها، قوانین و نوع ارتباط با فرزند) در کنار یکدیگر قرار گرفتند. در نهایت، با تحلیل عقلی و اجتهاد درون‌متنی، وجوه تمایز سبک اسلامی از سبک مقتدرانه غربی آشکار شد و ساختار نهایی الگوی فرزندپروری اسلامی تدوین گردید.

جایگاه و ارزش فرزند از دیدگاه آیات و روایات

در قرآن کریم، فرزند از ابعاد مختلف به عنوان نعمت الهی (نحل / ۷۲)، زینت زندگی دنیا (کهف / ۴۶)، مایه آزمایش (انفال / ۲۸) و از آرزوهای مؤمنان و پیامبران الهی (آل عمران / ۳۸) معرفی شده است. همچنین، فرزند صالح به عنوان مایه روشنی چشم و موجب بشارت الهی مورد توجه قرار گرفته است (فرقان / ۶۳ و ۷۴؛ آل عمران / ۳۸ و ۳۹). این شواهد نشان می‌دهد که در نگرش قرآنی، فرزند صرفاً یک واقعیت زیستی یا اجتماعی نیست، بلکه دارای جایگاه ارزشی و تربیتی است.

در روایات نیز بر محبت، تکریم و مسئولیت والدین نسبت به فرزند تأکید شده است. پیامبر اکرم (ص) فرزند را «جگر گوشه مؤمن» معرفی کرده و برای او نقشی معنوی در ارتباط با والدین بیان می‌کند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۱۲). امام صادق (ع) نیز محبت به فرزند و شادمان کردن او را مورد توجه قرار داده است (حلی، ۱۴۰۷ق: ۷۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۱). همچنین، در روایتی از رسول خدا (ص) بر نقش والدین در یاری رساندن فرزند برای نیکوکاری تأکید شده است (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۹۹). برآیند این آیات و روایات آن است که در نگرش اسلامی، ارزش فرزند با مسئولیت عاطفی و تربیتی والدین پیوندی مستقیم دارد و محبت، حمایت و هدایت تربیتی از مؤلفه‌های اساسی رابطه والد - فرزند به شمار می‌رود.

مراحل و اهمیت تربیت کودکان در خانواده

در منابع اسلامی، رشد انسان فرایندی تدریجی و چندبعدی است که ابعاد جسمانی، روحانی، مادی و معنوی او را دربرمی‌گیرد. قرآن کریم با اشاره به مراحل آفرینش و رشد انسان، از دوره جنینی تا کودکی، رسیدن به کمال جسمانی و سالمندی را بیان کرده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا...» (مؤمنون / ۶۷). همچنین قرآن کریم در تبیین گرایش‌های انسان در مراحل زندگی، تعلق او به اموری همچون فرزندان و دیگر مظاهر دنیا را یادآور می‌شود (حدید / ۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۶۴). بر این اساس، تربیت در منطق اسلامی فرایندی مستمر و متناسب با اقتضائات مراحل مختلف رشد است. آموزه‌های اسلامی برای دوره‌های مختلف رشد، توصیه‌های تربیتی متنوعی ارائه کرده‌اند که از مراقبت‌های جسمانی و عاطفی در سال‌های نخست زندگی تا آموزش‌های دینی، اخلاقی، عقلی و اجتماعی را شامل می‌شود (رهبر و رحیمیان، ۱۳۹۲: ۱۶۶). در این میان، دوره کودکی به دلیل آمادگی بیشتر فطری و تأثیرپذیری بالاتر، جایگاهی ویژه دارد و نقش والدین در هدایت و تربیت کودک در این مرحله برجسته‌تر است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (تحریم / ۶)؛ آیه‌ای که در روایات بر مسئولیت والدین در آموزش، هدایت و حفاظت تربیتی خانواده دلالت داده شده است.

در روایات نیز مسئولیت والدین در قبال تربیت فرزند مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین (ع) از حقوق فرزند بر پدر را انتخاب نام نیک، آموزش ادب و تعلیم قرآن دانسته است (نهج البلاغه: حکمت ۳۹۹). امام زین العابدین (ع) نیز والدین را نسبت به حسن تربیت و هدایت فرزند به سوی خداوند مسئول می‌داند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۴۰۴).

۲۶۳). همچنین، در روایات بر آموزش خیر و نیکی، محبت به کودکان و رعایت شأن آنان تأکید شده است (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۲/ ۵۳۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۵/ ۱۲۳). از این رو، تربیت اسلامی صرفاً انتقال آموزه‌های نظری نیست، بلکه والدین را به ایفای نقش الگویی و ایجاد زمینه عملی برای شکل‌گیری رفتار و فضایل اخلاقی فرزند نیز ملزم می‌کند.

نهادینه‌شدن آموزه‌های اخلاقی در کودکی می‌تواند زمینه شکل‌گیری عادات و رفتارهای مطلوب را در مراحل بعدی زندگی فراهم سازد. از این رو، مسئولیت والدین در هر مرحله از رشد باید متناسب با نیازها و ظرفیت‌های کودک باشد؛ گاه این مسئولیت در آموزش و هدایت، و در مواردی در مدارا، پرهیز از سخت‌گیری و اعطای فرصت برای رشد و تجربه نمود می‌یابد. تشخیص این اقتضائات و رعایت تناسب در شیوه تربیتی، از عوامل مؤثر در رشد صحیح روحی و روانی کودک است (جیرانی و عباسی، ۱۳۹۷: ۷۲).

سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه دین اسلام

یکی از عوامل مؤثر بر رشد روانی و شخصیتی فرزندان، شیوه تربیتی والدین در محیط خانواده است. در متون اسلامی، فرزندپروری فرایندی چندبعدی شامل رفتار، آموزش و تعامل والدین با فرزند است که ابعاد معنوی، عاطفی، فردی و اجتماعی رشد او را دربرمی‌گیرد. در این چارچوب، قرآن و روایات بر شیوه‌ای از فرزندپروری تأکید دارند که در پژوهش‌های پیشین از آن با عنوان «سبک مسئولانه» یاد شده است؛ سبکی که تربیت فرزند را بر مبنای فطرت انسانی و با توجه هم‌زمان به ابعاد مختلف رشد او دنبال می‌کند (عادل‌پور، ۱۳۹۶: ۱۳-۱۴). از دیدگاه اسلام، تربیت فرزند از مسئولیت‌های اساسی والدین و از حقوق فرزند به شمار می‌رود. امام صادق (ع) سه حق فرزند بر پدر را انتخاب مادر شایسته، انتخاب نام نیک و جدیت در تربیت دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۳۶). بر این اساس، والدین در نگاه اسلامی صرفاً تأمین‌کننده نیازهای مادی فرزند نیستند، بلکه در قبال رشد اخلاقی، معنوی و شخصیتی او مسئولیت دارند. خانواده نیز نخستین محیط اجتماعی و تربیتی کودک است و نگرش والدین به فرزند به عنوان نعمت و امانت الهی، در کیفیت رابطه و ایفای مسئولیت تربیتی آنان تأثیرگذار است (عادل‌پور، ۱۳۹۶: ۱۵).

از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک مسئولانه، محبت متعادل و متناسب با نیازهای فرزند است. در آموزه‌های اسلامی، ابراز محبت از طریق تعامل، بازی و هدیه‌دادن مورد توجه قرار گرفته و در عین حال، از افراط و تفریط پرهیز شده است (نهج‌البلاغه: نامه ۳۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۳۳۷). همچنین، والدین باید انتظارات و تکالیف تربیتی را متناسب با توانایی‌های جسمی، روانی، عقلی و روحی فرزند تعیین کنند. امام صادق (ع) بر پذیرش رفتارهای متناسب با توان کودک، چشم‌پوشی از امور دشوار و پرهیز از تکلیف فراتر از توان او تأکید کرده است (کلینی رازی، ۱۳۶۷: ۵۰). بنابراین، در سبک مسئولانه، محبت و نظارت تربیتی با اصل تناسب و رعایت ظرفیت‌های فرزند همراه است. تأمین امنیت روانی و برقراری ارتباط مطلوب نیز از دیگر مؤلفه‌های این سبک است. در تربیت اسلامی، ایجاد ترس و ناامنی، خشونت و تربیت در هنگام خشم مورد تأیید نیست و والدین به برقراری ارتباط کلامی مناسب با فرزند

توصیه شده‌اند (کلینی رازی، ۱۳۶۷: ۲۶۰). همچنین، آموزش و هدایت فرزند از مسئولیت‌های والدین است و در روایات بر ضرورت آموزش امور لازم و جلوگیری از کوتاهی در تربیت تأکید شده است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۲۹۰).

سبک مسئولانه در تربیت دینی نیز بر توحیدمداری و هدایت تدریجی فرزند استوار است. والدین باید زمینه شناخت خداوند، پرهیز از شرک و تقویت ارتباط با او را فراهم کنند (لقمان/ ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۴). در این فرایند، اجبار و خشونت جایگاهی ندارد و توجه به ظرفیت، روحیات و استعدادهای فرزند ضروری است. آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱ (بقره/ ۲۸۶) بر اصل تناسب تکلیف با توان تأکید دارد. از این رو، آموزش مفاهیم دینی با زبان متناسب با فهم کودک، توجه به شخصیت و توانمندی‌های او و تقویت نقاط مثبت، می‌تواند زمینه پذیرش و نهادینه‌شدن آموزه‌های دینی را فراهم کند (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰/ ۱۱۸-۱۱۹).

در مجموع، سبک مسئولانه را می‌توان رویکردی دانست که در آن مسئولیت‌پذیری والدین با محبت، اعتدال، رعایت ظرفیت فرزند، تأمین امنیت روانی، ارتباط مطلوب و هدایت دینی همراه می‌شود. بر این اساس، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه والد - فرزند و شیوه تربیتی آنان را می‌توان با بهره‌گیری از شواهد قرآنی، روایی و یافته‌های روان‌شناختی بررسی کرد.

عوامل مؤثر بر سبک فرزندپروری

وفای به عهد و خوش‌قولی والدین: یکی از مؤلفه‌های مؤثر در تربیت دینی، پایبندی والدین به وعده‌های خود در برابر فرزندان است. وفای به عهد افزون بر تقویت اعتماد و اعتبار والدین، الگوی رفتاری مناسبی برای فرزند فراهم می‌کند؛ در مقابل، خلف وعده می‌تواند اعتبار گفتار والدین را کاهش داده و الگوی نامناسبی از رفتار را به کودک منتقل کند. قرآن کریم نیز وفای به عهد را از مصادیق نیکی و از نشانه‌های صدق و تقوا معرفی کرده است (بقره/ ۱۷۷).

جهت‌گیری مذهبی والدین: جهت‌گیری مذهبی و معنوی والدین از عوامل مؤثر بر کیفیت فرزندپروری است. معنویت به‌عنوان یکی از ابعاد شخصیت انسان می‌تواند بر نگرش والدین و شیوه انتخاب و اجرای روش‌های تربیتی آنان تأثیر بگذارد و زمینه تربیت فرزند در محیطی سالم و ارزش‌محور را فراهم سازد (هادیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴؛ ناصری فدافن و همکاران، ۱۴۰۱: ۷).

ویژگی‌های شخصیتی والدین: ویژگی‌های شخصیتی والدین در نحوه تعامل آنان با فرزندان و انتخاب شیوه‌های فرزندپروری نقش دارد. تفاوت در الگوهای هیجانی و شخصیتی، از جمله میزان آرامش، جاه‌طلبی، تنش، اضطراب و توانایی تنظیم هیجانات، می‌تواند کیفیت رفتار والدین را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، تجربه‌های والدین در خانواده اصلی و سوابق روابط آنان می‌تواند در شکل‌گیری الگوی رفتاری آنان با فرزندان مؤثر باشد (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۴-۵؛ قره‌گوزلو و همکاران، ۱۳۹۷: ۳؛ ناصری فدافن و همکاران، ۱۴۰۱: ۷).

۱- «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» خدا هیچ کس را جز به اندازه وسعش تکلیف نمی‌کند.

نقش رفتار مادران در شکل‌گیری رفتار کودک. کیفیت رابطه مادر - کودک از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتار و سازگاری کودک است. طرد، کنترل یا حمایت افراطی و الگوسازی رفتارهای اضطرابی والدین می‌تواند با مشکلات رفتاری، ناسازگاری و برخی اختلالات دوران کودکی ارتباط داشته باشد (خانجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱؛ خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).

نقش و مشارکت پدر: میزان حضور و مشارکت پدر در تعامل با فرزندان نیز از عوامل مؤثر بر سبک فرزندپروری است. الگوی تعامل پدران با فرزندان می‌تواند با شیوه‌های بازی، هدایت و مواجهه با فعالیت‌ها و تجربه‌های کودک متفاوت باشد و در شکل‌گیری رفتار و روابط خانوادگی نقش داشته باشد (ناصری فدافن و همکاران، ۱۴۰۱: ۸). آسیب‌های دوران کودکی والدین. تجربه‌های نامطلوب والدین در دوران کودکی و نوجوانی می‌تواند بر تنظیم هیجانات، شکل‌گیری هویت و توانایی آنان در برقراری روابط سالم در بزرگسالی تأثیر بگذارد و از این طریق کیفیت فرزندپروری آنان را تحت تأثیر قرار دهد (ناصری فدافن و همکاران، ۱۴۰۱: ۸).

تعارضات زناشویی: کیفیت رابطه زوجین و میزان تعارضات زناشویی می‌تواند بر شیوه تعامل والدین با فرزندان اثرگذار باشد. قرارگرفتن کودک در معرض تعارضات شدید والدین ممکن است با افزایش مشکلات هیجانی، اضطراب، افسردگی و دشواری در روابط اجتماعی همراه باشد و در نتیجه بر کیفیت فرزندپروری تأثیر بگذارد (امینی‌نژاد و شاه‌نظری، ۱۳۹۵: ۴؛ سپهرمنش و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۴؛ خواجه‌نوری و دهقانی، ۱۳۹۵: ۴۴).

شرایط اقتصادی خانواده: وضعیت اقتصادی خانواده نیز از عوامل زمینه‌ای مؤثر بر محیط رشد کودک است؛ زیرا میزان درآمد می‌تواند بر دسترسی خانواده به تغذیه مناسب، محیط امن، خدمات مراقبتی و فرصت‌های آموزشی اثر بگذارد و در نتیجه شرایط رشد و تربیت فرزند را تحت تأثیر قرار دهد (ناصری فدافن و همکاران، ۱۴۰۱: ۸-۹).

راهکارهای پرورش صحیح اخلاقی و معنوی فرزندان

تربیت اخلاقی و معنوی فرزندان در قرآن و روایات اسلامی، فرایندی هدفمند و چندبعدی است که افزون بر مبانی اعتقادی و اخلاقی، راهکارهای عملی برای والدین ارائه می‌کند. مهم‌ترین این راهکارها را می‌توان در سه محور مبانی قرآنی، الگودهی و حضور والدین، و پیشگیری از شکل‌گیری رذایل اخلاقی بررسی کرد.

۱. مبانی قرآنی تربیت اخلاقی و معنوی

یکی از الگوهای برجسته قرآن در تربیت فرزند، توصیه‌های حضرت لقمان است. وی تربیت فرزند را با توحید و پرهیز از شرک آغاز می‌کند: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ» (لقمان / ۱۳) و سپس برپایی نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر، پرهیز از تکبر و رعایت اعتدال در رفتار و گفتار را مورد تأکید قرار می‌دهد (لقمان / ۱۷-۱۹). مکارم شیرازی و همکاران این آیات را الگویی جامع می‌دانند که از مبانی اعتقادی آغاز و به فضایل اخلاقی و اجتماعی منتهی می‌شود؛ بنابراین، تربیت اخلاقی در قرآن بر ایمان و معرفت استوار است (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱: ۱۸ / ۵۹-۶۱).

قرآن کریم در سوره تحریم نیز مسئولیت والدین در تربیت خانواده را با فرمان «فُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/۶) مورد تأکید قرار می‌دهد. مغنیه این آیه را ناظر به مسئولیت سرپرست خانواده در آموزش و هدایت اعضای آن می‌داند و شاذلی نیز بر نقش رفتار و فضای خانواده در تحقق این مسئولیت تأکید می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۷/۶۰۶؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق: ۶/۳۶۰۸). همچنین، در سوره طه به پیامبر (ص) فرمان داده شده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه/۱۳۲). مکارم شیرازی و همکاران، این آیه را بیانگر ضرورت استمرار والدین در هدایت و پیگیری تربیت دینی خانواده می‌دانند (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱: ۱۳/۳۳۱).

مجموع این آیات نشان می‌دهد که تربیت اخلاقی و معنوی در قرآن بر سه مؤلفه اساسی استوار است: تقویت مبانی اعتقادی، پذیرش مسئولیت تربیتی والدین و استمرار در آموزش و عمل. از این منظر، تربیت دینی فرایندی تدریجی است که باید از باور و معرفت آغاز شود و در رفتار و سبک زندگی خانواده استمرار یابد.

۲. الگودهی عملی و اختصاص وقت والدین

الگودهی عملی یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی است؛ زیرا کودک بخش قابل توجهی از ارزش‌ها و رفتارهای خود را از مشاهده رفتار والدین می‌آموزد. از این رو، رفتار والدین و کیفیت روابط آنان با یکدیگر، فضای اخلاقی و عاطفی خانواده را شکل می‌دهد و والدین پیش از آنکه آموزش‌دهنده باشند، الگوی رفتاری فرزند محسوب می‌شوند. بنابراین، تربیت اخلاقی فرزند تا حد زیادی با اصلاح و تقویت رفتار خود والدین پیوند دارد (یوسفیان، ۱۳۸۵: ۷۴).

اختصاص وقت کافی و حضور مؤثر والدین نیز از الزامات تربیت اخلاقی و معنوی است. توجه والدین نباید صرفاً به موفقیت تحصیلی فرزندان محدود شود، بلکه پرورش اخلاقی، معنوی و شکل‌گیری عادات پسندیده نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این امر به‌ویژه در سال‌های پیش از دبستان اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا کودک در این دوره بیش از آموزش نظری، از مشاهده و تکرار رفتارها تأثیر می‌پذیرد (یوسفیان، ۱۳۸۵: ۷۶).

۳. پیشگیری از رذایل اخلاقی در دوران کودکی

یکی دیگر از راهکارهای تربیت اخلاقی، پیشگیری از شکل‌گیری صفات و عادات ناپسند در دوران کودکی است. خودخواهی، خودپسندی، تکبر، بداخلاقی، حسادت و بخل از جمله صفاتی هستند که توجه تربیتی والدین را می‌طلبند. با توجه به تأثیرپذیری بالای کودک در سال‌های نخست زندگی، شناسایی و اصلاح زمینه‌های شکل‌گیری این صفات می‌تواند از تثبیت آن‌ها در شخصیت فرزند جلوگیری کند.

بر این اساس، تربیت اخلاقی در نگاه اسلامی صرفاً اصلاح رفتار پس از بروز خطا نیست، بلکه مستلزم فراهم کردن محیط مناسب، الگودهی صحیح و هدایت تدریجی کودک است. از این رو، شناخت ظرفیت‌ها و مراحل رشد کودک و تناسب شیوه تربیتی با این ویژگی‌ها، در اثربخشی تربیت اخلاقی و معنوی نقش اساسی دارد.

نتیجه گیری

خانواده، به عنوان نخستین و مؤثرترین نهاد تربیتی، نه تنها در بعد جسمانی بلکه در ابعاد عبادی، عاطفی و فرهنگی نیز نقشی بی بدیل دارد؛ زیرا ریشه و اساس هر گونه آموزش در خانواده و به واسطه والدین شکل می گیرد. اخلاق کودک در همین محیط پی ریزی می شود و تعلیم و تربیت معنوی از حقوق مسلم فرزند بر والدین است. اسلام در کنار تأکید بر افزایش کمی جمعیت - که آیاتی چون آیه ۶۰ سوره انفال بر آن دلالت دارد - به کیفیت تربیت نیز اهمیتی همسنگ داده است؛ بنابراین از منظر قرآن و روایات، کمیت و کیفیت جمعیت دو اصل مکمل اند، نه دو گزینه در تقابل با یکدیگر.

این پژوهش با روش کتابخانه ای، جایگاه و ارزش تشکیل خانواده و فرزند از دیدگاه آیات و روایات، مراحل و اهمیت تربیت کودکان، آموزش مسائل اخلاقی و تربیتی، افزایش جمعیت، سبک های فرزند پروری از منظر اسلام، عوامل مؤثر بر تربیت دینی فرزندان و راهکارهای عملی پرورش اخلاقی و معنوی آنان را بررسی کرد. یافته اصلی پژوهش آن است که خانواده نخستین جایگاه شکل گیری شخصیت، باورها و رشد فکری فرزند است و سلامت اخلاقی و روانی او تا حد زیادی در گرو سلامت محیط خانوادگی قرار دارد.

از دیدگاه روان شناسی، سه سبک والدگری استبدادی، سهل گیرانه و مقتدرانه شناخته شده که در میان آنها، سبک مقتدرانه - یعنی ترکیب محبت و توجه به نیازهای فرزند با قانون مندی معقول - بیشترین تأیید را دارد. این سبک تا حدودی، اما نه به طور کامل، با آموزه های قرآن و روایات همسو است. روش تربیتی اسلام بر محوریت توحید و ولایت استوار است؛ والدین مسئول، فرزندان را به تفکر در آیات آفرینش و پرهیز از شرک فرامی خوانند، پیوندی پایدار با یاد خدا در آنان شکل می دهند، از اجبار و خشونت پرهیز می کنند، و متناسب با روحیات، ظرفیت و استعداد هر فرزند، انتظارات خود را تنظیم می کنند.

در کنار سبک کلی تربیت، عوامل متعددی بر کیفیت فرزند پروری اثر گذارند که برخی از آنها در روان شناسی نیز مورد تأکید است: وفای والدین به وعده هایشان - که تخلف از آن، اعتماد و عزت نفس فرزند را خدشه دار می کند، جهت گیری مذهبی و ویژگی های شخصیتی والدین، نوع رابطه مادر و پدر با فرزند و رابطه زوجین با یکدیگر، و نیز شرایط اقتصادی و فرهنگی خانواده. مجموع این عوامل نشان می دهد که فرزند پروری صرفاً محصول یک روش یا دستورالعمل ثابت نیست، بلکه بازتابی از سلامت کلی نظام خانواده است.

در نهایت، مؤثرترین راهکار تربیت اخلاقی و معنوی، روش الگویی و آموزش عملی است؛ یعنی پیش از هر سخن، والدین با رفتار و کردار خود، ارزش های اخلاقی را در وجود فرزند بنشانند. رشد معنوی والدین، پیش شرط رشد معنوی فرزند است؛ زیرا اعتماد به نفس، روابط اجتماعی سالم، و شکل گیری هویت مستقل فرزند، همگی در سایه حمایت آگاهانه و پیوسته والدین شکل می گیرد. بر این اساس، بهترین سبک فرزند پروری، سبکی است که به شکلی سازنده و بدون آسیب، رفتار کودک را هدایت کند و او را در مسیر ایمان، مسئولیت پذیری و قرب الهی همراهی نماید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. اکبرزاده، فاطمه؛ کوچک‌سرای، خانسی؛ و فریبرز، مرضیه، (۱۳۸۵)، «بررسی تیپ شخصیتی A در بیماران دارای افزایش فشارخون مراجعه‌کننده به کلینیک مرکز آموزشی درمانی سینا و شهید مدنی تبریز»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، (۱۱)، صص. ۱-۶.
۵. امینی‌نژاد، مینا؛ و شاه‌نظری، مهدی، (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده و سبک‌های هویت»، فصلنامه علمی مهارت‌های روان‌شناسی تربیتی، سال ۷(۲)، صص. ۱-۱۲.
۶. جیرانی، محسن؛ و عباسی، مهدی، (۱۳۹۷)، «تبیین الگوی فرزندپروری آسان براساس منابع اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال ۴(۲)، صص. ۶۷-۹۲.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۸. حلی، ابن‌فهد، (۱۴۰۷ق)، عده الداعی و نجاح الساعی، قم: دارالکتب الاسلامی.
۹. خانجانی، زینب؛ پیمان‌نیا، بهرام؛ و هاشمی، تورج، (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی کیفیت تعامل مادر - کودک با انواع اختلالات اضطرابی در کودکان دبستانی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی مادران ایرانی»، اندیشه‌های نوین تربیتی، صص. ۱-۲۴.
۱۰. خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ حسنی، شهرزاد؛ و فلسفی‌نژاد، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه ولی - فرزند و اختلالات برون‌نمود در کودکان با مادر شاغل و غیرشاغل»، مشاوره شغلی و سازمانی، سال ۷(۲۳)، صص. ۱-۱۲.
۱۱. خنکدار طارسی، محبوبه؛ سلحشوری، احمد؛ و وکیلی، هادی، (۱۳۹۵)، «بررسی انتقادی سبک فرزندپروری مقتدرانه براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام»، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۴(۳۳)، صص. ۱-۲۷.
۱۲. خواجه‌نوری، بیژن؛ و دهقانی، رودابه، (۱۳۹۵)، «مشکلات نوجوانان و ارتباط آن با نهاد خانواده: مورد مطالعه: رابطه تعارضات والدینی و سلامت روان نوجوانان»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، سال ۳(۷)، صص. ۳۷-۶۶.
۱۳. رفاهی، ژاله؛ و طاهری، محمد، (۱۳۹۸)، «پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری مادران براساس طرح‌واره‌های اولیه و سبک‌های دل‌بستگی آنان»، زن و جامعه، سال ۱۰(۱)، صص. ۱۶۷-۱۹۵.
۱۴. رهبر، محمدتقی؛ و رحیمیان، محمدحسن، (۱۳۹۲)، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین

- کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۵. سپهرمنش، زهرا؛ احمدوند، افشین؛ یآوری، پروین؛ و ساعی، رضوان، (۱۳۸۷)، «سلامت روان نوجوانان دبیرستانی شهر کاشان در سال ۱۳۸۳»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، سال ۴(۲)، صص. ۴۳-۴۹.
 ۱۶. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره: دارالشروق.
 ۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۸)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۸. عادل‌پور، محمدحسین، (۱۳۹۶)، «بررسی و مقایسه سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه اسلام و دانشمندان غربی»، بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۴(۴۳)، صص. ۲۸-۱.
 ۱۹. عیسی‌زاده، عیسی، (۱۳۹۰)، خانواده قرآنی (ویژگی‌ها و وظایف اعضای آن)، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
 ۲۰. قدسی، علی‌محمد؛ و قائمی، مرتضی، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی سبک‌های فرزندپروری با سبک فرزندپروری امام علی (ع) در نامه سی‌ویکم نهج‌البلاغه»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال ۲(۸)، صص. ۲۰-۱.
 ۲۱. قره‌گوزلو، نادیا؛ عطادخت، اکبر؛ بشرپور، سجاد؛ و نریمانی، محمد، (۱۳۹۷)، «تحلیل مسیر سبک فرزندپروری مادران با مؤلفه‌ها و جهت‌گیری مذهبی آن‌ها»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، سال ۱۶(۱)، صص. ۱۱۹-۱۳۰.
 ۲۲. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۷)، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۳. کوخایی، آزاد؛ و رودمقدس، رمضانعلی، (۱۳۹۵)، «بررسی سبک‌های فرزندپروری در منابع اسلامی»، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۳(۳۶)، صص. ۲۲-۱.
 ۲۴. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام‌الدین، (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسه الرسالہ.
 ۲۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
 ۲۶. مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دارالحديث.
 ۲۷. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ و جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۹. مکتوبیان بهارانچی، آسیه؛ کلاتر کوشه، سید محمد؛ و خوانین‌زاده، محمدحسین، (۱۳۹۴)، «ساخت و هنجاریابی پرسشنامه فرزندپروری در نگرش اسلامی»، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۳(۲۷)، صص. ۲۳-۱.
 ۳۰. مینائی، اصغر؛ و نیکزاد، سپیده، (۱۳۹۶)، «ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۱۳(۴۹)، صص. ۱۸-۱.
 ۳۱. نصری فدافن، ملکه؛ نوحی، شهناز؛ آقایی، حکیمه؛ و صبوری، محمدصادق، (۱۴۰۱)، «شناخت عوامل

- تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری: یک پژوهش کیفی»، مجله مطالعات ناتوانی، صص. ۱-۱۱.
۳۲. نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۳۳. نیک‌سیرت، فرشته؛ خادمی اشکذری، ملوک؛ و هاشمی، زهرا، (۱۳۹۵)، «رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، سال ۱۲(۴)، صص. ۱-۲۶.
۳۴. هادیان، سید علی؛ غروری‌راد، سید محمد؛ و آذربایجانی، مسعود، (۱۳۹۲)، «تأثیرات والدین بر دینداری فرزندان از منظر روان‌شناسی دین»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۷(۱۳)، صص. ۱-۲۲.
۳۵. یوسفیان، نعمت‌الله، (۱۳۸۵)، تربیت دینی فرزندان، قم: انتشارات زمزم هدایت.